

است و هر اطمینان دیگر هم بخواهید از او بگیرید و ار را با یک نفر صاحب منصب ژاندارم که سابقه در مازندران داشته باشد مثل مازور محمدخان یا مازور فرج‌الله‌خان یا غلامعلی خان بفرستید که فوراً برود و این غائله را ختم کننده، شاید به این پیشنهاد بنده بپذیرید ولی صلاح همین است که عرض کردم و با این طرحی که امروز ظهیرالملک پیشنهاد نموده جز یک خرج گزاف برای دولت و یک خسارت بی‌اندازه بر رعایا و ضعفا و بالاخره عدم موفقیت هیچ نتیجه عاید نخواهد شد ژاندارم و قزاق معدود در جنگلهای نامحدود و نامحدود هیچ موفق نمی‌شوند و مدتی خاطر اولیای دولت را مشغول خواهند داشت و قضیه ای که به سهولت قابل ختم است بالاخره شاید آنقدر مهم شود که هیچ محتمل نبوده و علی‌ایحال چیزی که قطعی است صدمات وارده بر جمعی بی‌گناه بی‌دست و پای غیر مسلح است که یقیناً موجب غضب الهی و نفرت عمومی است و اگر خود حضرت اشرف مستقیماً نمی‌خواهید در این قضیه اقدامی فرمائید و موافق مصلحت ندانید ممکن است این قضیه را به سرعت به بنده واگذار فرمائید تا خاتمه دهم و تمام مسئولیت آن را خودم عهده‌دار می‌شوم. مستدعیم در این قضیه آنچه باید تصمیم فرمائید زودتر تصمیم فرمائید که تا قضیه غلظت نیافته و هنوز آن قدر اهمیت پیدا نکرده بلکه اقدامی شود که موافق صلاح دولت و مملکت غائله ختم گردد منتظر جواب این عریضه هستم تا روز شنبه که حضوراً مطالب را عرض کنم زیاده جسارت است.

[امضاء]: حاج آقا شیرازی

[مجدداً]: کاغذهای جوف را امجد الواعظین حامل بود و نمی‌دانست که سهم الممالک دستگیر شده به بنده داده و بنده باز کردم.

(۳۶۹)

سواد مکتوب رئیس اردوی سوادکوه (شارق السلطان خواجه‌نوری)

به سیف‌الله‌خان و هژبر السلطان باوند

نمره ۲۲۹

۱۵ جوزا ۱۲۹۹

ژاندارمری دولتی ایران

باطالیان مستقل نمره ۸

خدمت جنابان مستطابان اجل اکرم آقای سیف‌الله‌خان سرتیپ و

آقای هژبر السلطان دام اقبالهما

وصول مرقومه جنابعالی که با مضامین و بیانات بلاغت آئین خوش تقریر مزین شده بود

باعث یک دنیا مسرت شد و شهدالله با معانی و عبارات آن که حاکی از بهترین احساسات روحانی بود امیدوار نمود که بلکه انشاءالله با موافقت قلبی و حقیقت بتوانیم معنای این پیشامدها که مآلاً برای خود و مملکت محبوبمان بدبختی است رفع نموده به سعادت های عالی و وطن دوستی و فرایض انسانیت و ایرانیت نائل گردیم مخصوصاً جنابعالی را به بیانی که ذکر فرموده تبریک می گویم و همچنین چون جدیداً به مازندران مأمور شده و از وقایع و عملیات سابقه اطلاعاتی ندارم لذا شرحی که مرقوم داشتید با کمال صداقت و سادگی تلقی نموده چنانچه واقماً مطالب مرقومه به فعلیت رسیده و معهداً مؤثر واقع نشده و بالاخره باعث اشکال شده است به جنابعالی حق می دهم ولی التفات خواهید نمود که برای اثبات و ارائه مظلومیت طرق عدیده بسیار است نباید خدا نخواست شیهه نجابت فطری خود را از دست داده به عملیاتی که باعث توهین و هتک شرافت فامیل محترمتان است اقدام نمائید چنانچه الساعه یک نفر از هابریین نصرالله نام اهل مردآباد شهر یا تظلم می نماید که در قهوه خانه سرخه کلا چند نفر از تفنگچیان سوادکوهی با تفنگ ورنندل مرا لخت کرده و هشت تومان پول از جیبم درآوردند و کتک بسیاری به من زدند آیا این انصاف است که شرافت و افتخارات چندین ساله محترمتان با عملیات این گونه اشخاص یا سایر عملیات خصمانه که نسبت به نظامیان ساده مملکت و مأمورین دولت می شود لکه دارگردد خداگواه است که بنده تمام همتم را جداً مصرف داشته که انشاءالله به اخذ نتیجه حاصل موفوق شده و حقیقتاً نظر به تعصب ایرانیت خود ختم عمل اصلاح را بر خود بزرگترین موفقیت می دانم و امیدوارم جنابعالی هم قلباً به این مقصود مقدس موافق باشید و با موافقت نظر هم به زودی به طوری که قبلاً شرح داده عمل ختم گردد. ولی تعجب اینجاست که با وجود مذاکرات اصلاح و با این که از طرف اردوی نظامی با وجود هر گونه استعداد به هیچ نوع عملیاتی اقدام نمی شود گماشتگان جنابعالی هر شب تا صبح به پست های اردو حملات عدیده می نمایند و بنده شخصاً با وجود درخواست های کراری که افراد اردو برای اقدام به حمله می دهند از هر گونه عملیات خودداری نموده و دستور دادم تا ختم مذاکرات اصلاح چنانچه برخلاف انتظار مورد حملاتی بشوند، بدون هیچ گونه عملیاتی با کمال مسالمت و سکونت فقط دفاع نمایند و متأسفم که جنابعالی با این اظهاراتی که مرا به احساسات نیک و موافقت است به چه نظر گماشتگان خود را به بعضی عملیات مأمور و از مسئولیت های وجداتی و سوء نتایج این نوع عملیات اجتناب نمی فرمائید بدیهی است عملیات و اقدامات است که شاهد و ثابت کننده عقائد و اقوال باشد و همین عدم توافق افعال با اقوال هزاران زحمات و اشکال می شود والا علت ندارد دو ایرانی که در حقیقت یک وجود و یک روح هستند نسبت به هم به

عملیات خصمانه که واقعاً در عالم قومیت باعث خجالت تمام ایرانی‌ها است اقدام نمایند. به هر حال چنانچه قبلاً تصدیق داده باز هم متذکر می‌شوم باید از مسئولیت‌هایی که در ریختن خون یک ملت هموطنان ساده بیچاره ما در نظر است پرهیز کرد با یک جدیت و حقیقت به این بدبختی‌هایی که برای خود و مملکت‌مان در پیش است خاتمه دهیم چون به آقای سلطان شیخ غلامحسین کسالتی عارض شده جناب آقای طیب‌زاده و آقای نایب اسمعیل‌خان برای ملاقات و مذاکره با جنابعالی مأموریت گرفتند به علی‌آباد آمدند دو سه روزی در آنجا معطل شدند ولی برای این که محل توقفشان را نمی‌دانستند و ملتفت نشدند ناچار به ساری مراجعت نموده حالیه تمام مرقومجات جنابعالی را به کفالت محترم باطالیان ۸ ارسال داشته که هر چه زودتر نماینده‌شان را برای مذاکره و ملاقات اعزام دارند حال لازم است جنابعالی هم محل و موقع ملاقات و وسیله آن را تعیین فرمائید که پس از ورود نمایندگان اسباب معطلی نباشد، زیاده تصدیق نمی‌دهد.

رئیس اردوی سوادکوه، شارق‌السلطان خواجه‌نوری

(۳۷۰)

سواد مکتوب اسپیران رضاخان (رئیس دسته

هلیدشت) به سیف‌الله‌خان باوند

از طرف اسپیران رضاخان

ژاندارمری دولتی ایران

مورخه لینه ۱۶ برج جوزا ۱۲۹۹

نمره ۱۲۹

جناب آقای سیف‌الله‌خان

مطابق احکام صادره از کفالت باطالیان مستقل نمره ۸ کاپیتان ایلیف انگلیسی برای ملاقات جنابعالی و آقای هژبرالسلطان حرکت نموده اند لذا وقت و محل برای ملاقات مشارالیه تعیین نمائید و اطلاع دهید که به نقاط مربوطه راه‌پورت داده شود.

رئیس دسته هلیدشت (اسپیران رضاخان)

(۳۷۱)

سواد مکتوبی به سیف‌الله‌خان باوند
در باره ورود کاپیتان ایلیف انگلیسی به صنم

نمره ۱۵۵

۱۶ جوزا ۱۲۹۹

جناب مستطاب اجل آقای سیف‌الله‌خان سرتیپ دام اقباله
در چند روز قبل ژاندارمری برای رساندن مراسله به باطالیان و تعیین وقت محل ملاقات
با نماینده دولت متبوعه به خدمت فرستاده می‌شود جواب صحیحی نرسیده اینک تکرار
می‌کنم جناب کاپیتان ایلیف انگلیسی برای ملاقات و مذاکره با شما و آقای هژبرالسلطان به
علی‌آباد وارد به هر وسیله است جواب صحیح با ذکر محل و وقت ملاقات مرقوم نمائید که
اسباب معطلی جناب کاپیتان نشود. جناب کاپیتان به بلدی مهدی‌خان به صنم آمدند.

(۳۷۲)

سواد مکتوب حاکم مازندران (ظهیرالملک)
به حاکم سوادکوه (حسین‌خان سالار معتمد)

۱۶ برج جوزا ۱۲۹۹

نمره ۱۶۶۷

جناب آقای سالار معتمد حاکم سوادکوه دام اقباله

کاغذ آقای سیف‌الله‌خان سرتیپ را که ارسال داشته بودید هر چه در مقابل بنویسم و به
هر چه مقدس است سوگند یاد نمایم می‌دانم باز مشارالیه به بی‌مهری تعبیر می‌نمایند ضمناً
در این موقع که جناب کاپیتان ایلیف صاحب‌منصب دولت انگلیس به طرف اردوی سوادکوه
حرکت می‌نماید مخصوصاً تأمینات خود را به وسیله مشارالیه در حق آقایان سیف‌الله‌خان
و هژبرالسلطان و خاندان محترم ایشان تحکیم می‌نمایم می‌دانید امضای این صاحب‌منصب
در حکم امضای دولت انگلیس است ای کاش آقای سیف‌الله‌خان در این موقع که بهترین
مواقع است و برای کمتر کسی چنین پیشامدی حاصل است برخلاف سابق تغییر عقیده داده
و بیش از این برضد سیاست دولت مخالفت نموده محض سعادت و نیکبختی خاندان و
دودمان دیرینه خود حسن نیت مرا به خوبی تلقی نماید دیگر آلاشی از روی فکر خود به
عقیده من ندهد مطالب حقه مشروعه ایشان را در حدود امورات شخصیشان محض این که

خونریزی نشود و زحمت دولت از بابت انتظام سیاسی مازندران از بین نرود و مردم از پا در نروند بدون هیچ مضایقه قبول می‌کنم اختیارات هم البته از طرف دولت دارم و همان اختیارات به امضای صاحب‌منصب دولت انگلیس که تازه وارد شده اند محکم می‌شود می‌توانند بانهایت اطمینان تأمین یافته به اتفاق جناب کاپیتان به ساری بیایند که کارهای ایشان را انجام نمایم، زیاده زحمتی نمی‌دهد.

ظهیرالملک، حکمران مازندران

(۳۷۳)

سواد مکتوب کاپیتان ایلیف به سیف‌الله‌خان و هژبرالسلطان باوند

۱۶ جوزا ۱۲۹۹

نمبر ۵۲۰

خدمت جنابان آقایان سیف‌الله‌خان و هژبرالسلطان

اوضاع کتونی نواحی سوادکوه توجه دولت فحیمه انگلیس را به این صفحات جلب نموده لهذا این جناب صاحب‌منصب قشون دولتی انگلیس به مازندران آمدم تا این که شخصاً وضعیات اینجا را تحقیق و به اولیای امور دولت متبوعه خود در موضوع اقدامات لازمه برای تصفیه امورات این صفحات و خاتمه اغتشاشات راپورت دهم نظر به این در ساری ایالت محترم را ملاقات و از نظریات دولت علیه ایران مستحضر شدم و الحال بدینجا آمدم تا با شما ملاقات و دعاوی شما را نیز بشنوم چه دولت علیه ایران و چه دولت فحیمه انگلیس مایلند که اغتشاشات و سوء تفاهمات حاضره راجع به عقد قرارداد بین دولتین حتی المقدور به طور مسالمت و بدون خونریزی خاتمه یابد لهذا از جنابان عالی مستدعی هستم که از حیث منافع کثیر و مصالح خود شما، امروز در قریه صنم مرا ملاقات کنید و دوستدار نیز در موقعی که این کاغذ را وصول دارید، این دوستدار بدون اسلحه و بدون قوای مسلح به قریه مزبور خواهیم آمد پس از وصول این کاغذ جواب صریح به امضای خودتان نوشته بفرستید اطلاع دهید که امروز در چه موقع می‌توانید مرا ملاقات کنید اگر برای امروز ملاقات ممکن شود دوستدار به شیرگاه رفته شب را در آنجا توقف و فردا منتظر ملاقات خواهیم بود در این ضمن اگر شما به اتباع خود امر کنید که بر ضد منافع دولتین مخالفت نکنند در اردوی دولت تهاجم ننمایند نظامیان دولتی هیچگونه عملیات خصمانه نخواهد نمود بلکه منتظر انجام مذاکرات این دوستدار خواهند بود.

کاپیتان ایلیف صاحب‌منصب ارکان حزب قشونی دولت فحیمه انگلستان از شمال ایران

(۳۷۴)

سواد مکتوب رئیس اردوی سوادکوه (شارق السلطان
خواجه نوری) به سیف الله خان باوند

رئیس داری دولتی ایران
باطالیان مستقل نمره ۸

به تاریخ ۱۶ جوزا ۹۹
نمره ۱۲۱

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای سیف الله خان سرتیپ دام اقباله

- ۱- در جواب مرقومه نمره ۳۵ از مطالب مندرجه آن بی نهایت خرسند و امیدوارم با صداقت قولی که ذکر فرمودید عنقریب به تمام این وضعیت خاتمه داده شود.
 - ۲- چنانچه قبلاً متذکر شده تمام مراتب به کفالت محترم باطالیان مستقل نمره ۸ ارسال و انتظار دارم که پس از ورود نمایندگان مذکور یا خودم شخصاً و یا اگر خودم نتوانم نماینده مخصوص معین نموده و برای تعیین مرقع ملاقات به جنابعالی اطلاع دهم.
 - ۳- نقداً جناب کاپیتان ایلیف انگلیسی برای ملاقات و مذاکره با جنابعالی در بورخیل منتظر است بلکه با همین ملاقات ایشان به ختم عمل مرقعیت حاصل گردد به هر حال منتظر ورود نمایندگان باطالیان و ابلاغ فرمایشات دیگر جنابعالی هستم.
- رئیس اردوی نظامی سوادکوه، شارق السلطان خواجه نوری

(۳۷۵)

سواد مکتوب رئیس پست نظامی هلیدشت
(مهدی خان) به سیف الله خان باوند

رئیس داری دولتی علیه ایران

مورخه ۱۶ ربیع جوزا ۹۹
نمره ۱۲۹

جناب آقای سیف الله خان

- مطابق احکام صادره کاپیتان ایلیف انگلیسی برای ملاقات حرکت نموده لذا وقت و محل برای ملاقات مشارالیه تعیین نمایند که به نقاط مربوطه راپورت داده شود.
- رئیس دسته هلیدشت

(۳۷۶)

سواد مکتوب رئیس گروهان اشرف (نظام‌الدین خان)
به سیف‌الله‌خان باوند

نمره ۱۵۵

۱۶ برج جوزا ۱۲۹۹

جناب مستطاب اجل آقای سیف‌الله‌خان سرتیپ دام اقباله
در چند روز قبل ژاندارمری برای رساندن مراسله باطالیان و تعیین وقت و محل ملاقات
با نماینده دولتی متبوعه خدمت فرستاده هنوز جواب صحیحی نرسید. اینک تکرار می‌کنم
کاپیتان ایلیف صاحب‌منصب انگلیسی برای ملاقات و مذاکره با شما و آقای هژیرالسلطان به
علی‌آباد وارد به هر وسیله است جواب صحیح با ذکر محل و وقت ملاقات مرقوم نمائید که
اسباب معطلی جناب کاپیتان نشود.

نظام‌الدین

[مجدداً]: کاپیتان به بلندی مهدی‌خان به صنم آمدند.

(۳۷۷)

سواد مکتوب رئیس اردوی سوادکوه (شارق‌السلطان
خواججه‌نوری) به سیف‌الله‌خان باوند

به تاریخ ۱۸ جوزا ۹۹

ژاندارمری دولتی ایران

باطالیان مستقل نمره ۸

نمره ۴۵۵

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای سیف‌الله‌خان سرتیپ دام اقباله
در جواب مرقومه نمره ۵۰ پس از اظهار مراتب مسرت خود از مطالب لطف‌آمیزی که
درج فرمودید در خصوص مسائل دیگری که راجع به عملیات از افراد ژاندارمری ایران شده
بود لازم دانسته مراتب ذیل را به اطلاع جنابعالی برسانم:
۱- در موضوع دو رأس اسب و سه بار برنج سوادکوهی و سه چهارنقر رعایای بابل کنار
به تمام رؤسای قسمت های اردو کاملاً دستور دادم که در این باب تفتیشات لازمه نموده در
صورتی که چنین قضیه در یک قسمت رخ داده باشد جداً تعقیب نموده و اشیاء را استرداد با
شخص مرتکب به مرکز اردو فرستند تا فوراً مرتکب تنبیه و عین اشیاء توسط جنابعالی به

صاحبش تحویل گردد و خواهش دارم جنابعالی هم به اشخاص متشککی بفرمائید معین نمایند که از کدام یکی از قسمت های اردو چنین حرکتی ناشی شد. چه که ممکن است اشتباه عرض نموده باشند.

۲- در موضوع حرکت اهالی سوادکوه به بیلاق چون این حکم قبل از ورود بنده صادر شده و خودم شخصاً به طور کامل مسبوق نیستم لهذا سواد مرقومه جنابعالی را به کفالت محترم باطالیان مستقل نمره ۸ ارسال داشته پس از وصول جواب خاطر جنابعالی را از نتیجه مستحضر می دارم.

۳- درخصوص اعزام نماینده چنانچه قبلاً مصدع شده منتظر ورود نمایندگان باطالیان هستم که پس از ورود آنها متفقاً گسیل شوند چون قبلاً به دفتر باطالیان اطلاع داده که انتظار ورود نمایندگان باطالیان را دارم لهذا ناچار تا ورود آن نمایندگان باید تأمل نمود که پس از ورود با دستورات کافی اعزام شوند.

رئیس اردوی سوادکوه، شارق السلطان خواجهنوری

(۳۷۸)

سواد مکتوب رئیس اردوی نظامی سوادکوه (شارق السلطان
خواجهنوری) به سیف الله خان و هژبر السلطان باوند

به تاریخ ۲۰ جوزای ۹۹

ژنرال میری دولتی ایران

باطالیان مستقل نمره ۸

نمره ۲۸۷

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای سیف الله خان سرتیب و

آقای هژبر السلطان دام اقباله

۱- در جواب مرقومه نمره ۵۳ اولاً به اظهارات صمیمانه جنابعالی مراتب سرور و خوشوقتی خود را اظهار و بالاترین احساسات قلبیم استقبال می کنم.

۲- راجع به سه بار برنج و اسب به طوری که قبلاً متذکر شدم به تمام قسمتهای تابعه خود مخصوص قسمت هلیدشت حکم لازم دادم پس از وصول نتیجه به اطلاع جنابعالی می رسانم.

۳- راجع به مطالب دیگر از این وقایع سابقه ای ندارم و سواد این نمره را نیز برای کفالت محترم باطالیان نمره ۸ ارسال داشته و مطابق خواهش جنابعالی تقاضا کردم که پس از وصول

اطلاع خاطر تان را از نتیجه مسبوق بنمایم.

۴- برخلاف ترتیب قرارداد متارکه که صاحب منصب محترم انگلیسی ابلاغ نموده و جنابعالی نیز قبلاً مرقوم فرموده بودید دوشب است که بازگماشتگان تان در شبهای تاریک اطراف پست ها و سنگرهای توی جنگل ها به طرف افراد پست های ژاندارمری تیراندازی نموده و فرار می کنند مخصوصاً که دیشب در اطراف تمام پست ها مشغول برده اند نمی دانم این گونه عملیات آنان با قول های شرف و سوگندهای ناموسی که باد می فرمائید چه صورتی دارد. گرچه با وجود آن مراتبی که ذکر می فرمائید لازم است راپورت های قسمت های تابعه خود را کذب تصور نمایم ولی اتفاقاً در این دوشبه خودم تفتیش نموده و تیراندازی های اشخاص که نمی دانم به چه صنف از نفوس ذیجان دنیا تشبیه نمایم. شخصاً احساس نمودم لهذا با این گونه رفتار با یک دنیا تأثر و افسوس اطلاع می دهم که نزدیک است به کلی مایوس شوم. چیزی که نمی دانم واقعاً در راپورت های یومیه خود فرمایشات قشنگ بسیار مودت آمیز جنابعالی را تصدیق نمایم و با عدااتی که شبانه آن اشخاص حیوان صفت در جنگل ها می نمایند و به علاوه از قرار راپورت های دیگر جنابعالی که در اطراف بابل کنار مشغول ازدیاد عده همراهان و بعضی تهیه تشکیلات هستید متفکریم که حال این قبیل عملیات و اقدامات باعث تولید چه نوع اشکالاتی خواهد نمود و تعجب دارم با وجود اقدامات مجدانه و زحمات فوق العاده ای که برای جنابعالی متحمل می شوم برای چه شرافت و افتخارات چندین ساله فامیل محترم خودتان را محفوظ نفرموده و از عملیاتی که باعث هزاران اشکال و مخاطرات است پرهیز نمی فرمائید. زهی افسوس و تحیر.

رئیس اردوی نظامی سوادکوه، شارق السلطان خواجه نوری

(۳۷۹)

سواد مکتوب حاکم سوادکوه (حسین خان

سالار معتمد) به سیف الله خان باوند

نمبر ۸۱

۲۰ برج جوزا / ۹۹

خدمت جناب جلالتمآب اجل آقای سیف الله خان دام اقباله

فدایت شوم، مراسله جنابعالی واصل و عین آن را به موجب خواهش خودتان فوری حضور مبارک ایالت جلیله ارسال داشته ضمناً به طور اختصار جواباً زحمت می دهد که

اسناد امیر مؤید سوادکوهی ۳۳۹

انشاء الله تعالی این مطالب که سرکار عالی خود را حاضر برای اصلاح کرده‌اید و به مراحم ایالت جلیله امیدوار شده‌اید اصلاح بشود. من هم به شما صریحاً می نویسم و خدا را در صدق اظهار خود گواه می گیرم که شخصی ایالت از ساعت اول با شما و فاضل محترمتان مساعد و همراه بوده و هستند و مقصودی جز آسایش خلق و رفاهیت شما و خانواده‌تان را ندارند در خاتمه امیدوارم هر چه زودتر امر صلح خاتمه یابد و همگی از این رهگذر آسوده شوند. زیاده زحمت است.

سالار معتمد

(۳۸۰)

سواد مکتوب کاپیتان ایلیف به سیف‌الله‌خان و هژیرالسلطان باوند

مورخه دهم ژوئن ۱۹۲۰

مطابق بیستم جوزا ۹۹

از ساری

خدمت جناب مستطاب اجل آقایان سیف‌الله‌خان و هژیرالسلطان

از قرار مفهوم در روز اول متارکه جنگ عده ای از افراد شما به یکی از پست های اردوی دولتی حمله ور شده‌اند و با وجود آن که شما متعهد شدید که متارکه جنگ را کاملاً مراعات کنید و با وجود اظهارات اکید شما که افراد شما هرگز بر قوای دولتی شلیک نکرده و بر علیه آنها هیچ گونه عملیات ننموده اند مع هذا با وصف این من تلگرافات به تهران مخابره نموده ام همچنان که به شما قول داده‌ام و امید کلی دارم که عنقریب در ظرف یک یا دو هفته آینده مسئله شما انجام خواهد پذیرفت.

کاپیتان ایلیف صاحب منصب انگلیسی

[مجدداً]: امروز عازم تهران می باشم که شخصاً بیانات لازمه را به مقامات مربوط داده و تصفیه این قضیه را تصدیق دهم. ایلیف.

(۳۸۱)

تلگراف ظهیرالملک حاکم مازندران به وثوق‌الدوله

نشان شیر و خورشید و تاج

خیلی فوری ریاست وزراء
از ساری

به تاریخ ۲۴ جوزا | ۱۳۳۱

تاریخ اصل ۲۴ جوزا

ورقه تلگرافی

بعدالعنوان، رمز جوایبه نمره ۴۸۹ زیارت؛ کاپیتن ایلیف انگلیسی که به ملاقات پسرهای امیرمؤید و هم معاینه وضعیت و حالات روحیه اردوی ژاندارمری رفته بود دو شب است مراجعه کرده. اینکه در باب ملاقات مشارالیه با پسرهای امیرمؤید قبلاً عرضی نکردم فقط بواسطه ضیق وقت و حملات شدید متمرذین به اردوی ژاندارمری بود که میخواستیم با این وسیله چند روزی آنها را مشغول بدارم تا قوه برسد. از طرفی هم چون شخص خارجی بود تصور کردم شاید پسرهای امیرمؤید اطمینان کرده بدون خونریزی حاضر به اطاعت شوند. کاپیتن پسرهای امیرمؤید را در جبال جنگلی و محلهای سخت نزدیک قره صم سه فرسخی شهر بارفروش یافته قریب چهار ساعت با آنها مذاکره می کند. ایشان باز همان تقاضای سابقه را از بابت خالصجات دولت و چیزهای گزاف بلکه همان نیات و اصمال امیرمؤیدی را تجدید کرده حاضر به تسلیم اسلحه نمی شوند و برای اغفال کاپیتن و اصرار وقت مجدداً پنج روز مهلت می خواهند. کاپیتن اظهار می دارد: در میان افراد پسرهای امیرمؤید جوانهای تربیت شده به شکل قفقازی دیده اغلب همراه خود یک نوع موشک دارند که برای روشن کردن سنگرهای طرف بکار می رود اسلحه آنها تمام فلزی و مکمل و با موزر است و ممکن است به غیر از اینها چیز دیگری هم داشته باشند. در این مدت از فیروزکوه و سایر مواضع از مفسدین طهران و معاندین حضرت اشرف و مخالفین نظم مازندران برای آنها رسیده است.

مذاکرات چهار ساعته پسرهای امیرمؤید با کاپیتن ایلیف پس از تذکر مدلول جراید اخیر و اوضاع آذربایجان و گیلان و انزلی متعاقب به این شده است که اگر اموال و کلیه املاک و خالصه جاتی که در دست ما بوده به ما رد کنند، امیرمؤید را فوراً طهران احضار و سهم الممالک آزاد بشود که ما از این حیث مطمئن شویم. به ما و همراهانمان تأمین دهند، ما با اسلحه تسلیم می شویم.

حالا در این اظهارات چه حيله در نظر داشته باشند قسمت دیگری است. خوب معلوم است سیف‌الله خان رجعت امیرمؤید و آزادی سهم الممالک [کذا] را برای این می خواهد که شاید وضعیت طهران طوری شود که آنها فرار و به مازندران بیایند و اوضاع سابقه را تجدید نمایند.

فدوی موافقت با رجعت امیرمؤید به طهران ندارد و آزادی سهم الممالک [کذا] هم حال بی نتیجه است. به کاپتن هم مراتب را خاطر نشان کرده‌ام که اینها همه دسایس است اگر تمام این موافقتها هم با یک چیزی زیادتر بشود باز تمکین نخواهند کرد. تقاضا می‌کنند که باید باز تفنگ در دست باشد برای دولت بحفظ مازندران پردازیم.

بالجمله کاپتن حالت روحیه اردوی ژاندارمری را خوب تعریف نمی‌کند. صاحب‌منصبان کافی عارف به رموز جنگی ندارند. عده فعلی آنها به همه جهت با قوا [ای سمنان] بیش از چهارصد نفر نیست که صد نفر سمنانی آنها بکلی بی مصرف و وجودشان زحمت اردو را از بابت آذوقه و نگهداری آنها زیاد کرده است. هر روز تک تک از عده ژاندارمهای سمنان که هزار جریبی هستند فرار می‌کنند. بیش از نصف آنها ملزومات ندارند... ژاندارم پیش نیست چون چندیست از آنها خلع سلاح شده و تا حال هم مدافعه بوده تعدی نکرده‌اند و چهار نفر صاحب منصب آنها هم تیر خورده روح اردو پژمرده و خسته بلکه مخوفند. عقیده کاپتن انگلیسی: مذاکرات نصیحت آمیز با پسرهای امیرمؤید بی حاصل و جز غلبه نشان دادن قوه حیثیت دولت را در مقابل این خودسری آنها نمی‌توان حفظ کرد. عده قزاق بندرجز فردا به ساری خواهند رسید ولی از ماژور حبیب‌الله خان و عده سمنان هنوز خبری نرسیده پس از ورود بلا تأمل شروع به قلع و قمع متمردين می‌شود. کراراً عرض کرده‌ام ژاندارمری مازندران علاوه بر میترایز، توپ کوهستانی لازم دارد. حالا که ماژور فرج‌الله خان در همچو موقعی طهران است مقرر فرمائید که لوازم ژاندارمری را که عمده آن توپ کوهستانی است تهیه کرده باتفاق خود او روانه فرمایند.

لیله ۲۱ جوزا امره ۲۵۱

ظهیرالملک حکومت مازندران

[حاشیه]: ضبط شود.

(۳۸۲)

مسوده مکتوب رئیس الوزراء (وثوق الدوله) به اداره ژاندارمری

به تاریخ ۲۶ برج جوزا ۱۲۹۹/۱۳۳۸
ضمیمه

نشان شیر و خورشید و تاج
ریاست وزراء
نمره ۱۹۴۹

اداره ژاندارمری

راجع به واقعه سوادکوه و شرارت و طغیان سیف‌الله‌خان و هژبرالسلطان پسرهای امیرمؤید و تعیین فرماندهی قوای ژاندارمری و قزاق بعد از مطالعات و مذاکره با آقای استاروسلکی رئیس کل قزاقخانه تصمیمات ذیل اتخاذ شده لازم است عین آنها را به ضمیمه تعلیماتی که برای حسن جریان کار و حصول موفقیت مقتضی می‌دانید به روسای اردو ابلاغ نمائید:

۱- آقایان کلنل رالنسکی^۱ و مازور حبیب‌الله‌خان^۲ و کاپیتان لاسن^۳ در امور فرماندهی مشورت نموده یک نفر را از میان خودشان تعیین نمایند که اجرائیات و عملیات نظامی را برعهده گرفته تعلیمات و وظایفی را که در نتیجه مشاوره و تأمل نظر معین می‌شود به موقع اجرا بگذارد و یا وظائف را طوری تقسیم نماید در حین عملیات مابین آنها اختلافی حاصل نشود. البته رؤسای اردو در کلیه امور باید با یکدیگر صمیمی و موافق بوده هم خودشان را به اجرای مقاصد دولت و عقیده واحده که موفقیت و غلبه قوای دولتی بر اشرار است مصروف نمایند.

۲- هر وقت پسرهای امیرمؤید برای اطاعت و تسلیم حاضر شوند روسای اردو متفقاً مجاز خواهند بود تقاضای تسلیم را در تحت شرایط ذیل پذیرفته به عملیات نظامی خاتمه بدهند:

اولاً اسلحه و مونیسیون خودشان و اتباعشان را تسلیم اردوی دولتی نمایند.

ثانیاً برای اثبات اطاعت عزیمت تهران نمایند.

ثالثاً به خود آنها و کسان و بستگان و اتباعشان تأمین جانی از طرف دولت از این حیث و از حیث برادر و پدرشان که در تهران هستند آنها را کاملاً مطمئن نمایند.

رابعاً کلیه، دهات و املاک مختص و انائیه و اموال آنها که در ضبط حکومت و مالیه است به آنها مسترد شود به استثنای املاک خالصه دولتی که بدون مدارک و اسناد صحیحه و به قوای شخصی ضبط نموده اند. در باب املاک خالصه هم دولت تعهد می‌نماید کمیسیون در مرکز تشکیل و اگر اسناد و مدارکی داشته باشند رسیدگی کرده اگر حقوقی در املاک خالصه برای آنها ثابت شود به آنها واگذار شود.

خامساً دولت تعهد می‌نماید بعد از تسلیم و اطاعت علاوه بر حقوق صحیحه آنها از املاک و غیره که به خودشان داده می‌شود برای همراهی و مساعدت از مال دولت نیز

۱. کلنل رالنسکی از افسران روسی قزاقخانه.

۲. مازور حبیب‌الله‌خان شیانی از فرماندهان ژاندارمری و فرمانده کل اردوی ژاندارم در مازندران.

۳. کاپیتان لاسن ظاهراً از افسران بیروی نظامی انگلیسی در شمال ایران بوده است.

رہایت و کمک مخصوص از آنها بنماید کہ بہ مراجع دولت امیدوار شوند.

[مہر]: آرشیو کابینہ ریاست وزراء، نمبر ۳

[حاشیہ]: مینوت.

(۳۸۳)

سواد تلگراف سہم الممالک بہ سیف اللہ خان و ہزبر السلطان باوند

نمبر ۷۲

از تہران بہ بارفروش

۳۱ جوزا قبول است توسط جناب مستطاب اجل آقای خبیر الملک آقای سیف اللہ خان و آقای ہزبر السلطان نظر بہ اقدامات حجت الاسلام آقای حاجی آقا، مرحمتی دولت حاصل و بہ مراجع عالیہ حضرت اشرف آزاد شدیم و استدعا شد کہ بہ اردوی دولتی امر فرمایند کہ تعقیب از شما نشود و مواظبت نمایند از طرف کسان شما اقدامی برخلاف ادب و اطاعت نشود و مطلبی اتفاق نیفتد. قاصد ارسال.

صمصام الممالک، ارشد السلطان، سہم الممالک

محل مہر تلگرافخانہ بارفروش

(۳۸۴)

سواد مکتوب حاکم سوادکوه (حسین خان

سالار معتمد) بہ سیف اللہ خان باوند

خدمت جناب جلالتمآب اجل امیرالامراء المعظام

آقای سیف اللہ خان سرتیپ دام اقبالہ ملحوظ افتد

فدایت شوم، مراسلہ جوابیہ دیشب بوسیلہ مہدی خان رسید عیناً آن را بہ ساری، شرحی ہم خود نوشتہ خدمت ایالت جلیلہ فرستادم. پاکتی ہم از ایالت در جواب کاغذ اولیہ من رسیدہ بود فرستادم ملاحظہ کردہ عیناً دہید، زیادہ زحمت است

سالار معتمد

(۳۸۵)

سواد مکتوب حاکم سوادکوه (حسین سالار معتمد) به سیف‌الله‌خان باوند

چهار شوال ۱۳۳۸

خصوصی است

جناب اجل امجد سردار مکرم معظم آقا سیف‌الله‌خان سرتیپ دام اقباله، برادر عزیزم قربانت می‌روم در این ساعت که با حالت کسالت مزاج هستم و با شرب مسهل اقدام به جلوگیری نفاقت کرده ام این مختصر را برای اظهار خلوص باطنی که به جنابعالی و خانواده‌تان دارم محترمانه نوشته و علی آقاییگ را فرستادم اولاً خداوند را مدّ نظر داشته و از این مراسله من احدی را مسبوق نکنید زیرا به من قدغن شده که ترک مکاتبه با شما نموده و بعدها به هیچ وجه خود را آشنا هم به مکاتبات شما نکنم وقتی کشف شد مخلص هم مثل دیگران در قید خواهم افتاد یا خطرات عالتیری پیش خواهد آمد ثانیاً بعد از ملاقات کاپیتن با شما و مراجعت او و حرکت به تهران تصمیمات قطعی شده که اردو را قوت دهند و به قلع و قمع شماها کاملاً پردازند قزاق‌های بنده را با قورخانه و توپخانه در ساری البته مطلع هستید متواتراً هم از تهران سوار، پیاده و ژاندارم رسیده و می‌رسد کاپیتن لاسن که دیروز با دو صراده توپ ماکزیم و دو دست و پنجاه سوار وارد گردید او پریروز گذشته جناب مازور حبیب‌الله‌خان شیبانی که یکی از صاحب‌منصبانی است که در اروپا تربیت شده و سال‌ها در قشون فرانسه به سمت سلطانی بوده پس از ورود به ایران در ژاندارمری مازور شده اوضاع فرونت پیش آمد، رفت به فرونت. در آنجا، رئیس قشون آلمان‌ها، و عثمانی‌ها و ایرانی‌ها شد در اواخر وقتی سیاست دیگران جلو افتاد به اروپا مراجعت نمود و حال مدتی است که به ایران وارد به سمت اولیه در ژاندارمری بنا بر مصالحی وارد گردید این آدم با دوست و چهل نفر عده نظامی پریروز به سمت ریاست کل وارد شد با من دوستی سابقه دارد و شرح نمی‌دهم به قدری برای حفظ و دفاع نوع و جلوگیری از جنگ داخلی و عدم خونریزی هر دو طرف در وطنخواهی صحبت کردم که او را موقتاً دوشنبه فرستادم ساری، کاپیتن لاسن را هم وادار کردم حکمی به او نوشته که او هم تا رسید برود ساری یک شب بماند با آقای مازور مراجعت کند تا من بتوانم وقتی داشته باشم و به شما مختصری بنویسم، این است که حال نوشتن و محترمانه فرستادم. انسان باید وقتی کار به اینجا رسید خودش را فدای نوع خود کند به شما برادرها و چند نفر می‌دانم آسیبی نمی‌رسد اما این شخص بیدار در این موقع باریک ریشه خانواده‌های این صفحات و رعایا را می‌کند. البته وقتی هزار و پانصد نفر آن هم یک هزار و پانصد نفر که معلوم است در هبور از یک مکانی چه خواهند کرد و البته جگرم برای

خلق بیچاره کباب است ای کاش نبودم و نمی دیدم و کاش مرده بودم و نمی شنیدم آقای من زیاد گفتن حالتش را ندارم اگر مایل باشی فوری بدون این که کسی بوئی برده باشد از من اشاره شده شرحی به جناب مازور حبیب الله خان بتویس درخواست ملاقات فوری بکن اظهار مظلومیت خود را راستی بدون تزویر پیشنهاد کن و در آن ملاقات مقدرات خود را تسلیم این ایرانی با وجدان که من او را می شناسم کن. به شما هر چه گفت بشنو سود دنیا و آخرت دارد این مطالب من بود که در دوستی خانوادگی به ناموس مادرم و به عصمت زهراى اطهر سلام الله علیها بدون هیچ پیرایه در مقام اخوت نوشتم، رحم برای مردم کرده خودت و من را هم فداکن برای آسایش خلق ضرر ندارد والا مختارید، هرچه می خواهد دل تنگت بکن.

آقای هژبر را سلام و آقای میرزا احمد خان را بندهام و السلام علی من اتبع

(حسین سالار معتمد)

امجددأ]: چون با کلام الله مجید استخاره کردم که این مراسله را محرمانه می نویسم و این آیه شریفه آمد «وما ارسلناک الا بشیراً و نذیراً» فوری قلم دست گرفتم نوشتم به قرآن هم معتقد هستم زیاده زحمتی ندارم.

(۳۸۶)

سواد مکتوب حاکم مازندران (ظهیرالملک) به آقای شیخ

علی اکبر و آقا شیخ محمد حسین و آقا شریف العلماء

حکومت مازندران

مورخ پنجم شهر شوال ۱۳۳۸

مطابق اول برج سرطان ۱۲۹۹

اداره کابینه

نمره ۱۹۷۲

حضرات حجج اسلام آقای شیخ علی اکبر و آقا شیخ محمد حسین و آقا شریف العلماء
دامت برکاتهم

بطوری که خاطر محترم آقایان مستحضر است در مقدمه پیشامد سوادکوه با همه محبت ها که درباره آقایان سیف الله خان و هژبر السلطان از طرف بتدگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء دامت عظمته مبذول گردید و به اندازه ای نصایح و مهربانی که من نسبت به آقایان کردم حتی موقعی که برای عزیمت خودشان به تهران پول خواستند قرض کرده برای آنها فرستادم. تأمین جانی خواستند به نام اعلیحضرت اقدس شاهنشاه

ارواحنافداه کتیباً به وسیله بعضی از ذوات محترم برای آنها فرستادم و انجام اظهارات و تقاضای آنها را در پیشگاه شخص اول مملکت یعنی حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء دامت عظمته عهده دار شده و نسبت به پاره‌ای اظهارات دیگر آنها نیز موافقت کردم که همه معروض و تا آخرین درجه توانائی خودم اقدام در انجام بنمایم. متأسفانه بندها و اندرزهای بنده را گوش نداده بلکه از مراحم اولیای دولت دوری نموده سعادت آتیه خود را استقبال نمودند تا دنباله کار خود را به آنجا کشانیدند معهداً از آنجایی که حسن‌نیت و عقیدت صاف بی‌آلایش بنده مایل نیست قطره‌ای خون از دماغ احدی ریخته شود و نظر به این که از طرف بعضی از آقایان حجج اسلام دو مرتبه تقاضا شده است نیات سابقه خود را مبنی بر شمول رأفت و مرحمت دولتی است نسبت با آقایان سیف‌الله‌خان و هزبرالسلطان و دوستان آنها تجدید نمایم. در این مورد نیز محض حفظ احترام تقاضای آقایان حجج اسلام دامت تأییداتهم باز عقیدت سابقه خود را که حاوی حفظ سعادت حال استقبال آقایان مذکور است تأیید و تجدید نموده برای این که نگذارم آسیبی به احدی توجه نماید و خاری به پای هیچ یک از آنها برود در این موقع که آن ذوات محترم نیز به پیشرفت این مقصود بنده و تقاضای آقایان حجج اسلام قبول زحمت می‌فرمایند که نیات مرا به ایشان تبلیغ فرمایند و در اسرع وقت آقایان سیف‌الله‌خان و هزبرالسلطان را هر چه زودتر ملاقات فرموده آنچه لازمه بند و اندرز و نصایح است از طرف خودتان و بنده به آنها تبلیغ و صلاح و مصلحت آقایان را گوشزدشان فرمائید. مخصوصاً همه قسم اطمینان به ایشان بدهند که کار را به اینجا خاتمه داده بیش از این وضعیت موجود را تعقیب نموده یک سعادت ابدی را به خود قبول، اوامر دولت را از روی حقیقت تغییر ناپذیری اطاعت و اسلحه خود را تسلیم ژاندارمری و با تأمین خاطر به اتفاق آن ذوات محترم محفوظاً به ساری آمده و در دارالحکومه تحت قوای دولتی آنها را سالمأ و آمنأ پذیرایی می‌کنم و در اظهارات حقه آنها در پیشگاه دولت و شخص اول مملکت هر نوع مساعدتی که لازم باشد عهده دار می‌شوم و یا این که بعد از تسلیم اسلحه به ژاندارمری خودشان را از جمله خدمتگزاران دولت به شمار آورده به اتفاق یک نفر صاحب‌منصبان ژاندارمری به تهران عزیمت نمایند و به طوری که سابقاً به خود آقایان مشارالیهما نوشته‌ام بنام مقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه جئاتاً و مالاً به ایشان و همزمانشان تأمینات داده در صورت تسلیم اسلحه باز همان را تقویت و به اعتبار خود باقی داشته و به شرافت تحکیم می‌نمایم بیش از این زحمت نداده چشم آن دارم برکت همت انفاس قدسیه آن ذوات محترم و سایر حجج اسلام که تقاضای این امر را کرده و نیات خیرخواهانه مرا تأیید نموده‌اند آقایان مشارالیهم به این وضعیت خاتمه داده اقدام و اظهارات

و فرمایشات آن دو بزرگوار و سایر آقایان حجج را تقدیس کرده و اطاعت و موافقت نمایند این نکته را در خانمه توضیح می‌دهم که آقایان اسلحه خود را باید به توسط ذوات محترم به ژاندارمری تسلیم سالمأ و آمنأ به ساری آمده یا به تهران عزیمت نمایند و بدانند که هر نوع مساعدت و مرحمتی از طرف دولت نسبت به ایشان خواهد شد.

ظهیرالملک

(۳۸۷)

مکتوب حاج آقای شیرازی به رئیس‌الوزراء (وثوق‌الدوله)

به عرض اشرف عالی می‌رساند، به طوری که به توسط آقای عمیدالسلطنه حضور مبارک عرض شد پریروز سهم‌الممالک را از منزل بنده مفتش نظمی و پلیس با تهدید برونیک برده‌اند دیشب هم آمدم حضور مبارک مشرف شوم موفق نشدم ولی برای این که خاطر مبارک از حرکت سوء مأمور نظمی مستحضر باشد لازم دانستم که مطلب را به عرض برسانم البته تصدیق می‌فرمائید که از روزی که سهم‌الممالک مرخص شده تاکنون با کمال سلامت و اطاعت با وجود فلاکت و عدم معیشت در تهران مانده و حتی خانواده خود را نیز از مازندران به تهران آورد و آنچه می‌توانست برای انجام اوامر دولت اقدام نموده و به برادران خود نصیحت کرد تمام امورش را بنده مبوق بوده حال اگر آقای ظهیرالملک معصوم از هر گونه خطا باشد و نظریات ایشان لازم الاجرا مطلب دیگر است ولی از نقطه نظر حق و عدالت تعرض به یک نفر شخص مطیع برای عدم اطاعت دیگری اقدامی خارج از منطق است علاوه بنده این قدر به خود حق می‌دادم که در دوره زمامداری حضرت اشرف با کمال عنایت و رحمتی که به بنده دارید شرف و حیثیت بنده مصون باشد این حرکت بی قاعده مأمور تأمینات و عدم مراعات نزاکت و حدود بی‌اندازه بر بنده ناگوار و جبرانش را فقط از مقام منیع حضرت اشرف خواستگارم سهم‌الممالک را دولت در تحت ضمانت بنده مرخص نموده اکنون اگر سوءظنی بالنسبه به او هست بنده حاضریم که رفع نموده و ثابت نمایم که حاکم مازندران هم آن قدر در اظهاراتش راجع به ایشان صحیح القول و معصوم نیست سهم‌الممالک از روزی که مستظهر به مراحم دولت شد تماماً در مقام جلب توجه دولت بود و همیشه از مواضع تهمت تجنب می‌نمود و گرفتاری او و اضطراب اولادش تماماً برخلاف حق و عدالت و رضای الهی است. مستدعیم امر فرمائید سهم‌الممالک را به بنده منزل

بفرستند و از این مرحمت و جبران توهینی که از بنده شده برای همیشه ممنونم فرمائید. در باب امر به عود امیرمؤید آن را هم بنده مطابق مصلحت تصور نمی کنم اگر همان طور که امر فرموده بودید او را می آوردند زودتر امر مازندران اصلاح می شد و این هیچ منافات با تعقیب سوادکوهی نداشت آنها را تعقیب می فرمودید. امیرمؤید هم می آمد در ضمن موفقیت به مقصود به توسط خود امیرمؤید بهتر ممکن بود اکنون هم تصور می کنم اگر همان امر را تعقیب فرمائید اصلاح باشد دیگر بسته به نظریه مبارک است. زیاده جسارت نمی شود.

[امضاء]: حاج آقای شیرازی

[ظہریاکت]:

خصوصی است،

خدمت ذیشوکت حضرت مستطاب اجل اکرم انعم ارفع اشرف آقای وثوق الدوله دامت شوکتہ،
[حاشیہ:] باید در یک حدودی با تقاضای آقای حاجی آقا مساعدت کرد و به ایشان حالی کرد کہ قصد توهین ایشان نبوده است و نظمیہ منکر است کہ سهم الممالک را در خانہ ایشان تعقیب کرده باشد
حضوراً ۹۹/۴/۴

[درپی دستور فوق چنین آمده است]: جواب خصوصی از این توار نوشته شد.

(۳۸۸)

سواد مکتوب حاکم سوادکوه (حسین خان سالار معتمد)

به سیف اللہ خان باوند

دوستانہ

۶ برج سرطان ۹۹

خدمت جلالتمآب اجل امجد عالی آقای سیف اللہ خان

سرتیب دام اقبالہ ملاحظہ شود

قربانت شوم، در این موقع کہ فضل حق شامل حال است با آن مراحمی کہ از طرف دولت در مرکز بروز کرده باید موقع را غنیمت شمرد و بہ درگاہ حضرت باری شکرگزار شد و استفادہ کرد جواب مراسلہ شما را ہم جناب اجل آقای مازور حبیب اللہ خان فرماندہ کل اردوی مازندران نوشتہ لفاً ارسال گردید امیدوارم تا آخر با نیتی کہ در من و شما است امورات اصلاح شود و ہمہ خوشوقت باشیم و البتہ تلگرافات تہران بہ شما رسیدہ است ریاست اردو ہم در این مسافرت اختیاراتی از دولت گرفتہ کہ تماماً بہ ملاحظہ جناب عالی

است، زیاده زحمت نمی دهم، جهانبخش بیگ اینجا یک پیغام به من گفت منتظرم.

سالار معتمد

(۳۸۹)

سواد مکتوب فرمانده کل قوای سوادکوه (ماژور)

حبیب‌الله‌خان شیبانی) به سیف‌الله‌خان باوند

مورخه ۶ برج سرطان

شمیمه ندارد

باطنایان منزل نمره ۱۰

زاند امری دولتی وزارت داخله

وزارت داخله

خدمت جلالتمآب عالی آقای سیف‌الله‌خان

مراسله ۵۸ جنابعالی چند روز پیش در ساری واصل و از حسن ظن و اظهار لطف جنابعالی نسبت به اینجانب خیلی خوشوقت و متشکرم چنانچه خاطر شریف مسبوق شده است اینجانب از طرف دولت برای برقرار کردن امنیت و انتظام این صفحات مأمورم و همان طوری که تقاضا فرموده بودید گمان می‌کنم برای وصول این مقصود یک ملاقاتی با جنابعالی خیلی مفید باشد مخصوصاً با دستور اختیاراتی که اخیراً از طرف دولت به اینجانب داده شده است برای صورت وقوع یافتن مطالب حقه جنابعالی هیچ مانعی نمی‌بینم لهذا تعیین وقت از طرف جنابعالی انتظار دارم و راجع به مکاتبه هم اردوگاه شیرگاه را خیلی مناسب می‌بینم مسلم است در این ملاقات جنابعالی دارای همه قسم تأمین خواهید بود.

فرمانده کل قوای سوادکوه، ماژور حبیب‌الله

(۳۹۰)

سواد مکتوب حاکم سوادکوه (حسین سالار معتمد) به سیف‌الله‌خان باوند

یله ۷ برج سرطان / ۹۹

مخبر است

خدمت جناب جلالتمآب اجل امجد عالی آقای سیف‌الله‌خان

سرتیپ دام اقباله ملاحظه شود

فدایت شوم در این موقع که مراسله جوابیه جناب آقای ماژور حبیب‌الله‌خان فرمانده

اردوی مازندران را لفاً ارسال می دارد ضمناً از جنابعالی خواهش می کنم قدرچنین روزی را بدانید که خداوند تبارک و تعالی برای شما پیش آورده و حضرات حجج اسلام دامت برکاتهم خصوصاً حضرت آقای شریف‌العلما را برای خاتمه به این پیشامدهای سوء در زحمت انداخته و به فیض الهی از ساعت اقدام ایشان که همه قسم از طرف اولیای دولت مساعدت شده امید است حالا موقع را غنیمت شمرده استفاده از این ساعت کرده همه را خوشوقت نماید. زیاده زحمتی ندارم.

حسین سالار معتمد

(۳۹۱)

مکتوب حاج آقای شیرازی به رئیس الوزراء

(میرزا حسن خان مشیرالدوله)^۱

۱۳ شوال ۱۳۳۸

قربانت شوم، برای تذکر خاطر مبارک به طوری که دستور فرمودید مزاحم می شود که فوراً امر فرمائید امیرمؤید را از کرمانشاه با اتومبیل احضار کنند و پرویزخان پسر صمصام‌الممالک را که در... توقیف است به تهران بیاورند و شجاع‌السلطان پسر مرادخان که در آمل توقیف است با سایر افراد سوادکوهی که در مازندران توقیف کرده‌اند مرخص نمایند حسین خان سوادکوهی را نیز که در یوسف آباد توقیف است امر به مرخصی فرمائید. بنده نیز تلگراف مجددی به پسرهای امیرمؤید می کنم که حرکت سوئی از آنها ناشی نشود و مستظهر به مزاحم حضرت اشرف باشند تا آقای سهام‌الدوله تشریف ببرند. به صمصام‌الممالک و ارشدالسلطان پسرهای مرادخان نیز سپردم که صبح چهار به ظهر مانده حضور مبارک مشرف شوند البته... باید همه گونه مرحمت و لطف به آنها بفرمائید اگر ظهیرالملک حرکت سوئی نکند و تحریک به فساد ننماید بنده متعهد هستم که خاطر شریف را از ناحیه مازندران آسوده نمایم خواهشمندم فوراً مطالب معروضه را انجام فرمائید و توجه مخصوص در امر مازندران داشته باشید که فوق‌العاده مهم است. زیاده جرات است.

حاج آقا شیرازی

[امضاء]: حاج آقای شیرازی

[ظہر پاکت]: خصوصی نوری است.

خدمت ذیشوکت اجل اکرم انجم اشرف عالی آقای مشیرالدوله دام شوکت،

[روی پاکت]: اقدام شده است. ضبط شود.

(۳۹۲)

مکتوب محمدحسین به شارق السلطان

۱۸ سرطان ۹۹

آقای شارق السلطان زیداجلاله

مراسله شما رسید از اظهار صمیمیت و یگانگی که حضرت آقا سیف‌الله‌خان سرنیپ فرموده‌اند بی اندازه متشکریم از قراری که قاصد اظهار داشت خود حضرت معزی‌ایه به شیرگاه تشریف خواهند آورد با نهایت بی صبوری فردا ساعت ۳ قبل از ظهر منتظر می‌باشم.
محمدحسین

(۳۹۳)

سواد مکتوب مستشار شورای قشون سرخ مازندران به سیف‌الله‌خان باوند

شورای جمهوری انقلابی ایران

رئیس اداره سیاسی

اداره سیاسی

مورخه ۱۹ برج سرطان ۱۲۹۹

نمبر: ۱۷

رفیق محترم آقای سیف‌الله‌خان

به موجب تصور رفیق سعدالله جواب شما ما را قانع نکرد باید سیصد هزار تومان از اهالی بارفروش گرفته به طور اعانه به منفعت شورای جمهوری انقلاب ایران جمع شود شما هم باید کمک کنید و بی طرفی شما هم با عملیات تمام مسلمانان آسیا خصوص فقرای ایران مقبول نیست برای رفاه و سعادت ایران به اتفاق ما داخل شده با ما مشترکاً حرکت کنید که سعادت شما و عموم متضمن فداکاری است

مستشار شورای قشون سرخ مازندران، رئیس اداره سیاسی فتح الله،

بلائیف، رئیس اداره سیاسی کمارف، کاتب علی راضی.

(۳۹۴)

سواد مکتوب سیف‌الله‌خان باوند به فرمانده کل
قشون مازندران (کنل حبیب‌الله‌خان شیانی)

مورخه ۲۰ برج سرطان پیچی لیل ۱۲۹۹
نمره ۷۳

جناب مستطاب اجل آقای کنل حبیب‌الله‌خان رئیس اردوی سوادکوه دام اقباله
اگر چه مدتی است به کلی از طرف جنابعالی اظهار ملاحظتی نشده ولی پیشامد حاضره
سواحل دریا مخلص را وادار نمود که این مختصر را تصدیع دهم اولاً خاطر محترم
از پیشامدهای بارفروش و عقب‌نشینی قوای دولت در آنجا یقین مستحضر است. و همچنین
شاید از وحشت فوق‌العاده اهل شهر مبوق شده اند چون حضرت مستطاب خدایگانی
آقای امیر اشرف با فامیلشان در بارفروش هستند. مخلص هم ناگزیرم به دهات ملکی
خودمان که نزدیک شهر است بروم و فامیل آقای امیر اشرف را از شهر حرکت بدهم اگر چه
شرحی عموم و اهل بارفروش برای مخلص نوشته و به واسطه عقب‌نشینی قشون دولتی
برای حفظ خودشان مخلص را به شهر دعوت نمودند ولی چون اساساً قصد و نیتی جز
احقاق حق خودمان و الغای قرارداد و انفصال آقای وثوق‌الدوله نداشتیم و بحمدالله در طلب
توجه مراجع بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فداه و احساسات ملیون صالح
آقای وثوق‌الدوله از کار مفصل و همه قسم از طرف قرین‌الشرف اظهار تمایل با نیات عناصر
صالح و مخالفین قرارداد شده است اگر به کلی هر قسم تصویری مرتفع گردید، فقط منتظر
مراجع دولت و اصلاح امور شخص خود هستم لیکن از نقطه نظر حفظ منافع ایرانیت و
تأمین شریعت و ایلیت ناگزیر از حمایت اهل مازندران و جلوگیری از تجاوزات اجانب به
قدر وسع خودم خواهم بود امید دارم جنابعالی هم برحسب مقام در این موقع که همه چیز
اهالی در خطر است از وظیفه خودتان دریغ نفرمائید زیاده منتظرم نظریات محترم خودتان را
مرقوم فرمائید تا در جواب اهل شهر بتوانم آنها را به عملیات دولت مستظهر دارم، زیاده
تصدیع است.

(سیف‌الله سرباز) باوند کیویه

(۳۹۵)

سواد مکتوب فرمانده کل قوای سوادکوه (ماژور
حیب‌الله‌خان) به سیف‌الله‌خان باوند

از شیرگاه

مورخه ۲۱ برج سرطان ۱۲۹۹

نمره ۶۸۹

جناب جلالتمآب اجل عالی آقای سیف‌الله‌خان سرتیپ دام اقباله

دیشب مراسله ای از طرف جنابعالی به عنوان اینجانب واصل گردید که از قرار معلوم نه خط جنابعالی است و نه امضاء و مهر جنابعالی را داراست. چنانچه خاطر شریف مسبقست جواب دادن به یک چنین مراسله ای آن هم به طور رسمی به کلی مخالف با قواعد اداری است لهذا مجبوراً مراسله مزبور را عودت داده متمنی است در صورتی که از طرف جنابعالی نوشته شده است به وسیله امضاء یا مهر خودتان صحت آن را تصدیق فرمائید.
فرمانده کل قوای سوادکوه (ماژور حیب‌الله‌خان)

(۳۹۶)

سواد مکتوب اللهوردی به سیف‌الله‌خان و هژیرالسلطان باوند

عزیزم، حضرت آقای سرتیپ و آقای هژیرالسلطان را قربانم البته تصدیق خواهید فرمود که هیچ دوست جانی با سوابق بسیار درستی در این دنیا یک روز خوش را وقف دوست نکرده بلکه اگر روزی برای دوست خود افروختن آتش دامن می زند. ولی مخلص با عدم سابقه دوستی فقط از نقطه نظر خیرخواهی در معیت آقازاده گان آقای امیر مؤید سه ماه از کارهای شخصی خود بازمانده هر چه از دستم برآمده در خواهش جنابعالی فروگذار نکرده از حال به بعد هم نیت و قصدم همین است بنابراین نمی توان بنده را به چشم دوست طماعی نظر کرد زیرا اگر که منظورم طمع ورزی بود در این سه ماه راه کار دستم بود به اصطلاح به چه خرده فرمایشی خیلی داده بود. غرضم از این مقدمات این است که اگر در مدت سه ماه عرایض خیرخواهانه بنده و حضرت آقای ملاذالانام حاجی آقای شیرازی را به سمع قبول اصغفاء فرموده بودید بعضی پیشامدهای نامرغوب پیش نمی آمد حرکت جنابعالی مجدداً سبب گرفتاری آقای سهم‌الممالک شده و ایشان را در تهران گرفته امیر هم در روزنامه نوشته

بود که از کرمانشاه احضار شده البته به واسطه خلع سلاح ژاندارم و ایشان هم شاید مجدداً مجبور شوند و فعلاً خواهش از جنابعالی این است اگر اردوئی هم از مازندران شما را تعقیب کرد شماها مواجهه نکرده... ندهید هشت ماه است به قول خودتان به مظلومیت حرکت کرده اید اقلأ ده روز دیگر هم این مسلک را ادامه دهید تا بنده وارد تهران شده خیر یأس و رجاء را برای شما بنویسم آن وقت مختارید. ذبیح‌الله را به واسطه همین مطلب همراه برده فرستادم البته این عرض دوستانه را خواهید پذیرفت بنده هم به فوریت خبر خواهم داد زیاده منتظر استماع این آخرین عرض ارادت خود نسبت به شماها هستم ایام سعادت مستدام باد.

الاحقر اللهوردی

(۳۹۷)

سواد مکتوب بیست نفر از معارف مازندران
و سوادکوه به سیف‌الله‌خان یاوند

مورخه ۲۸ شوال ۳۸

حضور مبارک آقای سیف‌الله‌خان سرتیپ دام اقباله، البته خاطر محترم به خوبی مستحضر است صدمات و تلفات وارده در این میان اخیراً به عموم اهالی مازندران سوادکوه خاصه تجار فوق‌العاده رقت‌انگیز است از قرار مسموع یوم قبل برادران جدیدالورود کلیه انبارهای نفت را ضبط نموده مشغول فروش شده اند و کلیه مال تجار را نیز در بندر توقیف نمودند در صورتی که گمان نمی رود این اقدام با اطلاع و استحضار آقایان رؤسا محترم باشد زیرا که بدو ورود اطمینان را از هر حیث به ما اهالی داده بودند دور نیست به تحریک بعضی از مفرضین هنگامه طلب ها مقدم شده باشند بی اندازه از این اقدام اهالی را مشوش، رفع اقدامات غیر منتظره را از آن هیأت محترم خواستاریم.

وجوه اهالی بارفروش، عبدالحمین، عبدالمجید،

محمدعلی، اقل محمدرضا، اقل عبدالیاقی، اقل رضا،

اقل سیدفتح‌الله، اقل محسن، رجیعلی، اقل المسادات یاقی،

به امضاء بیست نفر از معارف.

(۳۹۸)

سواد مکتوب محرمانه شهاب الدوله^۱ به سیف‌الله‌خان باوند

سواد مکتوب محرمانه از طرف شهاب‌الدوله

آقای سیف‌الله‌خان مرتیپ

لزوماً از خیرخواهی خودتان بدون شائبه تصویری نظر به سابقه با آقای امیر مؤید به شما می نویسم که در مرکز حکم احضار شدگان و تبعید شدگان کرمانشاهان تلگرافاً مخابره شده، از طرف دولت عفو از تقصیرات سیاسی رؤسای مازندران رسماً و کتبی دریافت نمودم. برای رسیدن استرداد حقوق متظلمین مأمورم به شما قول می دهم که انشاءالله موجبات آسایش شماها در آتیه از هر جهت فراهم شود و مطمئن باشید و محرمانه می نویسم موقع خدمت شما به ملت و دولت این است که خودتان ظاهراً به عنوان مساعدت با جنگلی ها و بالشویک‌ها داخل در آنها و شروع به تحقیقات و نمایش موافقت را قسمی بدهید احدی متصور این مقصود باطنی نشود. پس از تحصیل اطلاع و اطمینان از صحت عده و استعداد آنها اگر... است فقط راهبورت به من سریعاً در [این] زمینه برسانید و منتظر وقت باشید تا دستور ثانوی برسد و هرگاه عده و استعداد آنها قسمی است که می توانید غفلتاً آن را دفع یا فراری یا متواری و دستگیر و اسلحه آنها را ندهید [کذا]، هر قدر ممکن شد گرفته و این خدمت بزرگ را به دولت و ملت در این موقع باریک نموده باشید به موجب این مشروح امیدوارم نتایج دنیوی و اخروی را سعادت‌مندانه موفق شده باشید منتظر جواب است مبادا این مکتوب دست یفتد. جواب هم اگر نتوانید بدهید. منتظر عملیات شما هستم. شما را به خداوند متعال می سپارم که حافظ ملت و دولت اسلامی است. امیدوارم در این خدمت بعون الله موفق شوید. سلخ شوال ۳۸ [۱۳].

۱ شهاب‌الدوله، اسدالله میرزا (ملک‌آرا)، پسر عبدالحسین میرزای شمس‌اشعراء، از رجال بنا نقوذ اواخر دوره قاجار بوده است.

(۳۹۹)

سواد مکتوب رئیس الوزراء (مشیرالدوله) به امیرمؤید

۵ ذیحجه ۱۳۳۸

نمره خصوصی

جناب اجل آقای امیرمؤید

از قراری که کاپیتان لاسن تلگراف کرده سیف‌الله‌خان و سایر بستگان جنابعالی تأمین خواسته اند که به اردو آمده مشغول خدمتگزاری باشند مقتضی است که تعقیب تلگراف سابق خودتان در این پیشامد تجدید و تعیین کرده تا به آنها کاملاً اطمینان بدهند که از هر جهت آسوده خاطر باشند. ابوالفتح [۹]

(۴۰۰)

سواد تلگراف سلطان محمود از ساری به تهران

ساری

اخبار تلگرافی

سیف الاسلام که از آقایان معروف بارفروش است دیروز به ساری آمده با کاپیتان لاسن داخل مذاکره شده که از طرف دولت علیه اگر اطمینان کامل به پسرهای امیرمؤید داده شود و خود امیرمؤید با علامت مخصوص تلگراف به آنها بنماید بر ضد بالشویک اقدام و آنها را از بارفروش خارج خواهند نمود. کاپیتان لاسن مراتب را به سردار استاروسلسکی اظهار و تکلیف خواسته است مجدداً پسرهای امیرمؤید برای تأمین نزد کاپیتان لاسن فرستاده است الان مذکور شد خود سعدالله‌خان رئیس عده بالشویکی پیغام داده که ما جنگ با ژاندارم و قزاق نخواهیم کرد چگونگی پس از تحقیق کامل عصر عرض خواهد شد.

سلطان محمود ۳۱ سرطان

(۴۰۱)

سواد تلگراف علما و محترمین مازندران به رئیس الوزراء (مشیرالدوله)

از بارفروش به تهران

به توسط جناب اجل آقای نصیرالسلطنه^۱ دام اقباله

۱. میرزا مهدی خان نصیرالسلطنه فرزند حاج محترم السلطنه توری اسفندیاری نماینده دوره چهارم از بابل نامبرده

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف اعظم آقای مشیرالدوله رئیس الوزراء دامت شوکته
کیه مقام متیع وزارت جلیله داخله

در موقعیکه کشتی حیات ایران در گرداب هولناکی دچار بزرگترین شدائد دهشتناک بود
به فضل الهی برای محافظه مملکت اسلامی مسکن همان کشتی طرفان زده را به کف کفایت
وید قدرت آن ذات کامل الصفات که در هر موقع مهم به امتحانات اسلام پرستانه روح ملت
را به خود متوجه داشته اند تودیع خط حرکت راه سعادت موجبات آسایش ملت [و]
استقرار مبانی دولت به نهج قویم و صراط مستقیم مشید و میرهن گردیده تمام اشخاص مهم
مملکت که از اثر سوء سیاست آقای وثوق الدوله هر یک به گوشه و کناری رفته و یا برای
محافظه خود در قسمتهای مختلفه مملکت بطور انفراد امرای حیات می کردند و شاید هر آن
مترصد حدوث وقایعی بودند که تا بدان وسیله خود را از خطر نجات دهند و به اولین آن
زامداری آن وجود مبارک نه فقط سر تسلیم و اطاعت پیش آورده بلکه گویا عمال
خدمتگزاری بودند که دست صداقت به تاج و سلطنت عظمی آنها را برای آزادی و نجات
مملکت از خطرات هولناکی که به عنوان قرارداد تهیه شده بود کرده چنانچه در حالتی که
آقایان سیف الله خان سرتیب و هژیرالسلطان آقازادگان حضرت اجل آقای امیر مؤید که از اثر
صدمات و عملیات مأمورین آقای وثوق الدوله که دارایی و هستی آنها را برده و حیات افراد
آن خانواده قدیمی محترم مازندران را تحت تهدید آورده بودند به گوشه [ای] پناهنده و به
حکم کثرت علاقه به سعادت مملکت صورتاً از خود و معناً بر ضد قرارداد منحوس مدافعه
می نمودند، همین که بشارت تودیع آن مقام متیع به ذات کامل الصفات رسید بطوریکه
مشهود کردند فوراً سر تسلیم و اطاعت پیش آورده خود را حاضر برای همه قسم فداکاری
در راه سعادت ملت و عظمت و استقلال دولت نمودند. مخصوصاً در موقع ورود متجاسرین
به مازندران و عقب نشینی قوای دولت به سمنان و سایر نقاط بنا به تقاضای اهالی مازندران
فوراً به بارفروش آمده با یک جدیت خستگی ناپذیری شب و روز به محافظه اهالی و
جلوگیری از عملیات متجاسرین، مازندران را از فجایع طاققت فرسای رشت که قلب هر
مسلمانی را جریحه دار کرده از چند کرور خسارت متصوره کاملاً محفوظ داشتند.

امروز عموم مازندرانی چشم امید را پس از درگاه الهی جلت عظمته والطفای عالییه، به آن
در نور چشم و چراغ مازندران دوخته با احتمالاتی که هنوز از طرف دریا می رود تمام اعتماد
به صداقت و دولت خواهی و معرفت کامل آنها به خصوصیات این خطه می باشد، با این

۴ - برشته ملک الشعراء بهار در تاریخ احزاب سیاسی ایران / ج ۱ / ص ۱۱۹ جزو کسانی بوده است که در این ایام در
تهران سر می برده است و یا جمعی دیگر از نمایندگان حاضر در تهران اجتماعاتی داشته اند

حال احضار آقایان معزی الیهما در این موقع تولیدتنگرانی و اضطرابی فوق‌العاده در اهالی نموده که البته خاطر مهر مظاهر رضایت به آن نخواهد داشت.

این است که عموماً با نهایت امیدواری استدعا می‌نمائیم تا کاملاً مخاطرات دریا مرتفع نگشته برای آسایش افکار عمومی امر و مقرر فرمایند که مشارالیهما بحال خدمتگزاری در مازندران بمانند. پس از آنکه از توجهات اولیای حق و جدیدیت کامله آن وجود مبارک موجبات نگرانی مرتفع گردید البته آقایان مشارالیهما با نهایت افتخار شرفیاب شده مراتب دولت خواهی خود را به آستان عظمت بنیان اصلحضرت قدرقدرت شاهنشاه اسلامیان پناه خلدالله ملکه عرض خواهند نمود. امید است که بپذیرفتن این استدعا عموم دعاگویان و سایر طبقات اهال مازندران را قرین تشکر و امتنان فرمائید.

آقای شیخ حسین هندلیب - شیخ الرئیس - محمدرضا - آقا شیخ مهدی بابلی کناری - الوراق بالله الفنی عبده محمد مهدی - آقا شیخ علی شریتمدار - علی ابن محمد حسن ثقة الاسلام - عبده جعفر ابن علی اصغر - سیف الاسلام - حاج سیدابراهیم - آقای شیخ ابراهیم - آقای ثقة الاسلام - مفتخرالممالک - امضای یکصدو هفتاد دو نفر از معارف مازندران.

[در حاشیه:] (بسم الله و لله الحمد) این تلگراف از حجج اسلام و تجار و اعیان و اصناف مازندران است و استدعای ایشان کاملاً به محل است زیرا حرکت آقایان سیف‌الله خان و هژیرالسلطان با سابقه خدمت در موقع تهاجم متجاسرین که موجب اضطراب قلوب سکنه مازندران بود و ایشان اسباب قوه و اطمینان اهالی هستند. منی است که بذل رحمت فرموده ایشان را در این موقع خطرناک به توقف مازندران ابقا فرمائید. الجانی محمدحسن ابن صفرعلی (شیخ کبیر)

(۴۰۲)

سواد تلگراف محمداسماعیل خان باوند به شریف‌العلما

از تهران به ساری
نمره ۱۰۲ تلگراف
حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای شریف‌العلما دامت برکاته؛ فرزندی سیف‌الله خان سرتیپ، در این موقع که حضرت اشرف آقای حشمت‌الدوله وزیر داخله دامت عظمته قبول مسئولیت فرموده و از سابقه مرحمت حضرت معظم له نسبت به این خانواده مسبوق هستید مقتضی است کمال مراقبت را نموده که حضرت معظم له از عهده

تعهداتی که از خدمتگزاری این خانواده در پیشگاه اعلیحضرت قوی شکوت شاهنشاهی ارواحنا فداه و هیأت محترم دولت دامت عظمته فرموده‌اند برای بنده اسباب خجالت و شرمساری فراهم نشود.

امیرمؤید، محل مهر: تلگرافخانه ساری مازندران

(۴۰۳)

تلگراف سه تن از علما مازندران به محمد اسمعیل خان باوند

نشان شیر و خورشید و تاج	اداره تلگرافی دولت عنیه ایران	نمره کتاب ۱۱۲
سنه ۱۲۹۹	عده کلمات ۶۰	نمره قبض ۱۶۹۲
اسم گیرنده	تاریخ اصل توضیحات	نمره تلگراف ۶۰
رذیری	۸	به تهران

خدمت حضرت اجل آقای امیرمؤید زید اقباله، الی حال در ساری متوقف، انتظار جواب تلگراف راجع به آقازادگان، جناب استراسلکی رئیس کل، آقایان را با کمال اطمینان و مساعدت آتیه احضار بارفروش نموده خوب است مقرر فرمایند فوری اطاعت نمایند که امیدبخش و نتیجه مطلوبه حاصل آید.

داعی شریف العلماء، احقر علی اکبر ساروی، سیف الاسلام.

[مهر]: تلگرافخانه مبارکه

(۴۰۴)

حکم انتصاب سهم الممالک به ریاست قشون مازندران

نمره ۲۰۳۸/۶۰۶

دولت علیه ایران
نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت جنگ

وزارت جنگ به موجب این حکم نظامی مقرر می دارد: [

نظر به لیاقت و شایستگی که از آقای سهم الممالک مشهود شده است از تاریخ دهم برج اسد پیچی نیل یک هزار و سیصد و سی و هشت به ریاست قشون مازندران منصوب و قرین